

کامران طغیان می‌کنم، پس هستم!

هر فیلمی زاییده اندیشه و افکار فیلمسازش است؛ این جمله یک اصل اصولی در حوزه سینماست. اصل از این منظر که لایتغیر است و در اغلب قریب به اتفاق موارد قابل اثبات. فقط کافی است تا صغری و کبری قضیه را در کنار هم بگذاریم تا آنچه حاصل می‌شود، بشود همان منطق و اصل. به کلام منطقیون اگر موضوع و محور باوجه استنادی در راستای یکدیگر کشیده شوند و در عرض هم قرار بگیرند، نتیجه ناظر بر موضوع و محور استسش می‌شودقضیه که همان اصل است. از آنجایی که همین اصل یکی از بنیان‌های شکل دهنده و پدیدآورنده واقعیت است، بنابراین می‌شود اصلی از اصول. فیلمسازی مثل رضا درمیشیان که در پرورنده کاری‌اش به احتساب فیلم اخیرش «لانتوری» یک سه‌ضلعی را شکل داده، یک فصل مشترک در لابه‌لای سکنس‌ها و پلان‌های آثارش که تبدیل به فیلمشان کرده، قابل احصا و کشف است.

در میشیان فصل مشترکی در سه‌گانه آثارش تا به امروز به آن‌حو که کنج‌بازده تا پگوبودی می‌خواهد حرفی برای گفتن داشته باشد. این فصل مشترک در سه‌ضلعی غیر منتظم درمیشیان، ناخشن جامعه و به‌زعم توهم خودمهم انگارش، حفظ وجهه و پوزیشن اپوزیسیونی است!

این ناخشن جامعه و حاکمیت در آثار درمیشیان گاه با تکرار جمله «عصبانی نیستم» تیک‌گونه شخصیت اصلی یکی از آثارش که به‌زعم وی(درمیشیان) به دلیل حق‌طلبی و عدالت‌خواه، حاکمیت او را زیر بار عنوان «دانشجوی ستاره‌دار» برده قادرترت، توان و پتانسیل بالقوه یا بالفعل تحرک و انقلابی‌گری‌اش را مصروف و مضمحل در به دنبال خود کشاندن‌غل و زنجیر ستاره‌دار بودنش کنداز نگاه درمیشیان نظام و حاکمیت با دست بازیدن به حکم تلخ «خوردن فرزند خود» هر چند کامش را تلخ کرده، اما سعی کرده تا دانشجوی عدالت‌طلب را که جایگاه مغز، پیش‌رانه و سوخت هر ملت و کشوری دارد؛ فرصت و فرجه عرض اندام پیدا نکند. درمیشیان خودش در مواجهه با مخاطب تکرار کرده است.

این نوع استمرار نگاه و ابرام یکسری کد و رمز برای مخاطبان خاص یا شاید مخاطبانِ انورِ اینی که اتفاقاً جشنواره‌های فیلم پرنرگ و لمبایی با گستره رسانه‌ای وسیع و جوازی و نشان‌های سه‌ضالیه … هم دارند، مخابره می‌کند. بعضی از سسر «خود مهم‌انگاری» یا «ما خیلی مهم هستیم» یا «ما بی‌شماریم … و… به خیال پرورانه شدن گرفتار پبله و خلسه نارسیست شده‌اند، قدم برداشتن درمیشیان در ساخت ضلع سوم آثارش با عنوان «لانتوری» را با آفرین و مرحد ثابت قدمی و جسارتی مثال‌زدنی در مسیر آوانگارد و اپوزیسیونی‌اش قلمداد و تحلیل کرده‌اند. برخی هم لانتوری را تکرار حرف‌های همسایر یک و از روی عصبیت کارگردانی تعبیر کرده‌اند که دیگر کسی گوستی برای شنیدن این همه غرولند ندارد. ولی واقعیت این است که درمیشیان و ساخت آثاری که در یک منظومه فکری قابل تعبیر و ترجمان هستند، مصداق همان حرف پر تکرار فیلسوف غربی دکارت است که برای تأیید و تصدیق اصالت وجود و قامت مکتب «اریستاکیلیستی» می‌گوید «چون می‌اندیشم پس وجود دارم و هستم!» هر چند جمله آبرت کامو، دیگر فیلسوف غربی‌می‌را که در زمینه‌ش تصدیق اصالت وجود می‌گوید، بیشتر می‌توان وصف حال آثار و تفکرات رضا درمیشیان دانست، آنجا که می‌گوید «من طغیان می‌کنم پس هستم.» واقعیت درمیشیان و آثار سه‌گانه‌اش دلیل همین جمله اگزیستانسیالیستی آبرت کامو خودشان را جا می‌دهند، چه اینکه درمیشیان و دیگر همپالگی‌ها و همفکرانش با عنینت‌بخشی به انگار «من طغیان می‌کنم، پس هستم» در فیلم‌هایشان سعی کرده‌و می‌کنند تا نظر و رأی مخاطبان ویژه و خاص خودشان را که به واقع جامعه هدف یا با تدقیق بیشتر، صاحبان اصلی فیلم‌های آنها هستند، جلب کنند. افرادی که گرداننده‌گان اصلی جشنواره‌های کن، اسکسار، برلین، تورنتو، گلدن گلوب و چندین نام پرطرفطاری پشت دیگری هستند که سیاست «براندازی نرم» و وظیفه‌خطیر نفوذ فرهنگی» را در جوامع مسلمان و ایستاده‌های همانند انقلاب اسلامی کشورمان طرح‌ریزی کرده‌اند و حسب توانایی و سرسپردگی فیلمسازان معتقد به «جهان وطنی» و تا بن دندان باورمند به اصل «دین افقین توده‌ها» تقسیم وظیفه می‌کنند!

هرچند کم‌لطفی است اگر به این جشنواره‌ها و جوازی، مغلل‌ها و نشان‌هایی از جمله نوبل صلح، شوالیه و دهها نشان برزقی و برقی، اما بی‌هویت‌کننده و خان‌پرور دیگر و افرادی را که آنها را درافت می‌کنند، اضافه نکنیم. هنرمندان و فیلمسازانی که برای خوشایند کرکس‌هایی با نقاب‌هایی مثل روشنفکر، صلح‌طلب، آزادپخواه غربی، طرفدار مردم و عدالت حاضرند تا فریاد «هنر برای هنر» و یا به کار گذاشتن تکنیک و تکنیک‌های سینما، مردم، کشور و مملکت‌شان را به مسلخ جشنواره‌های غربی بکشانند و بر پرده نقره‌ای آنها سلاخی‌کنند. از کسانی که به اسم مسلمانی و اسلام، این دین عزیز و مظلوم، چاقو بر حنجره منادیان اسلام تاب گذاشته و سز می‌برند، هیچ کم ندارد!

روزنامه جوان

روزنامه جوان

گزارش

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران صاحب امتیاز: پیام‌آرام نشر روز مدیر عامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی سردبیر: غلامرضا صادقیان آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴ سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳ روابط‌عمومی: ۸۸۴۹۵۶۳۴-۶-نمابر: ۸۸۴۹۸۴۴۸-۶-۰۶-توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵-۰۶-۰۷-چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان چاپ هم‌زمان مشهد: مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

| روزنامه جوان | شماره ۴۷۴۲ | شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۴ | ریع ۲۶ بهمن‌السنی ۱۴۳۷ | اذان ظهر: ۱۲:۱۸ | غروب آفتاب: ۱۷:۲۴ | اذان مغرب: ۱۷:۵۵ | نیمه شب شرعی: ۲۲:۲۵ | اذان صبح فردا: ۰۵:۴۰ | طلوع آفتاب فردا: ۰۷:۰۱

گزارش

مخاطب تراسی برای فیلم حاشیه‌دار، با باز کردن درهای برج

تماشاگران اتوبوسی «لانتوری» در شب افتتاح جشنواره



محمدصادق عبدینی

اگران فیلمس سینمایی لانتوری در برج میلاد(کاخ جشنواره فیلم فجر) با حواشی زیادی همراه شد؛ از هجوم تماشاگران اتوبوسی که نقش سیاهی لشکر را در پر کردن صندلی‌های برج میلاد بازی می‌کردند تا دعوا و فحش و فضیحت برای تماشا‌ی فیلمی که توهم خوب بودنش خیلی‌ها را تا نیمه‌شب بیدار نگه داشته بود. «لانتوری» سومین فیلم سینمایی رضا درمیشیان است؛ کارگردانی که فیلم اولش «بغض» با شکست تجاری روبه‌رو شد و فیلم دومش به دلیل زیاده‌روی در پرداختن به فتنه و غرق شدن در المان‌های فتنه‌گری توقیف شد.

«عصبانی نیستم» توقیف شد تا برای کارگردان جوان اسم و رسم به وجود آید و اینکه فیلمی توقیفی، حامی فتنه در کارنامه وی حضور دارد، باعث شد تا از زمان مطرح شدن ساخت فیلمی با عنوان «لانتوری» برخی این توهم را به وجود آورند که درمیشیان کارگردان خاصی است و حتماً باید فیلم او را دید. شاید هم این عده تریسپداند که «لانتوری» به سرنوشت «عصبانی نیستم» دچار شود و همین موضوع باعث شده هر جور شده بخواهند این فیلم را تماشا کنند.

«لانتوری» ، برج میلاد، تماشاگر

اتوبوسی

لانتوری فحشی مرسوم در بین زندانی‌هاست. تصویب پروانه فیلمی با عنوان یک فحش در شورای صدور پروانه جای تعجب داشت، ولی این تنها مورد تعجب‌انگیز فیلم سوم رضا درمیشیان نیست. این فیلم اکنون به لطف فضای رسانه‌ای که حول و حوش آن به وجود آمده است، یکی از چند فیلمی است که برای پر آرای مردمی است؛ فیلمی که گفته می‌شود کارگردان تلاش کرده برای جلوگیری از توقیف آن، اشاراتی را در فیلم بگنجانند! اگران لانتوری در شامگاه روز پنج‌شنبه(بامداد روز جمعه) در برج میلاد را می‌توان نمونه بارز دو موضوع دانست؛ ابتدا مدیریت بد جشنواره فیلم فجر در اجرای یک فتسوال فیلم و دومی پدیده‌ای اجتماعی که ناشی از ذهن‌پبی و جودگی برخی از افراد است که به‌راحتی

راه سعادت

امام صادق (ع):

أرج الله رجاءَ لایجَزُ تک علی مصعبیه و خف الله خوفاً لا یؤسک من رَحمتِه

به خداوند امیدوار باش، امیدی که تو را بر انجام مصعبیتش حرمت نخشد و

از خداوند بیم داشته باش یعنی که تو را از رحمتش ناامید نگرداند.

(وسائل الشیعه باب جهاد النفس، ج ۱۵، ص ۲۱۸)

راه سعادت

امام صادق (ع):

أرج الله رجاءَ لایجَزُ تک علی مصعبیه و خف الله خوفاً لا یؤسک من رَحمتِه

به خداوند امیدوار باش، امیدی که تو را بر انجام مصعبیتش حرمت نخشد و

از خداوند بیم داشته باش یعنی که تو را از رحمتش ناامید نگرداند.

(وسائل الشیعه باب جهاد النفس، ج ۱۵، ص ۲۱۸)

راه سعادت

نقد‌هایی بر یک فیلم افتتاح بعد از اکران فیلم سینمایی «لانتوری» منتقدان سینما نسبت به آن موضع خود را اعلام کردند؛ موضعی که شاید به مذاق شه‌روشنفکران سینما چندان خوش نیاید. امیر قادری، منتقد سینمایی یادداشتی درباره این فیلم می‌نویسد: لانتوری متأسفانه یک جور سوء‌استفاده از ابزار سینماست. فکرش را تکنید تیزی یک چاقو را گذاشته‌اید روی شاهرگ یک آدم و دوربین را متمرکز بر آن نگه داشته‌اید، اینکه فرو می‌رود را تحریک کنید. در این مسیر تأثیر، خبری از فرآیند خلاق هنری نیست.

این منتقد در ادامه یادداشتش درباره فیلمسازی درمیشیان تصریح می‌کند: فیلمساز سرگردان و شلوغ کن عاشق واکنش گرفتن، مجموعه‌هایی از ایده‌های سیاسی تلگرافی مد‌روز را قاطعی می‌کند و به خورد تماشاگر می‌دهد. وقتی در یک دیالوگ پس از نقطه اوج و در پایان اثرش، با خاطره سیاسی «قیمت گوجه» شوخی می‌کند، ماتم برد، که مگر انتظار فیلمساز از خودش و اثرش چقدر پایین است. پس بحث مرکزی فیلمساز درباره قضا و بخشش و نیروی قاهر تمامیت‌خواهی که می‌خواهد یک زیبایی آزاد را به جنگ بگیرد، همین قدر سطح پایین از آب درمی‌آید. نیما حسینی‌نسب منتقد سینما نیز لانتوری را فیلم مزخرفی عنوان می‌کند و می‌افزاید: وضعیت جشنواره امسال حقیقتاً شرم‌آور است. من از مطبوعات وخبرنگاران کمال تشکر را دارم که با وجود این هرج و مرج و اینکه مجبور بوده‌اند تا ساعت ۳ صبح اینجا باشند.

حضور بالای نیز در تستیم بهرامون لانتوری نوشت: «فکر کردن به اینکه چگونه کسی می‌تواند خیال کند که با سرهم‌بندی متلک می‌توان یک فیلم را اجساد داد به خودی خود یک عذاب مضاعف است. تصوری اینکه چگونه همچنان آدم‌هایی پیدا می‌شوند که در میانه دهه ۹۰ شمسی هنوز خیال می‌کنند که می‌شود با تکنیک تاریخ مصرف گذشته قرار دادن یک شخصیت نادان در فیلم و زدن حرف‌های مخالفش به طرزی مسخره از زبان او بر منطق او هم غلبه کرد، بیشتر از آنکه مایه خوشحالی برای ناتوانی و عجز فیلمساز باشد که مقابل ما ایستاده است، تأسفار و غم‌انگیز است و تصور اینکه شرایط اجتماعی مخاطبان سینمای ایران تا به چه حد به فقرا رفته است که فیلمساز ما وقتی می‌بیند فیلمش کشش ندارد و فیلم نشده است، قصد می‌کند تا با «کوچه‌فرنگی» و «دلواپس» و «افزاده رات‌خوار»، رق از میان رفته را به فیلمش برگرداند.»

«لانتوری» به یمن مدیریت بد جشنواره توانست اکران پر سر و صدایی به دست آورد. تمام شهرت این فیلم به کارگردانش باز می‌گردد و علت شهرت کارگردان، توقیف فیلم قبلی‌اش است که اگر «عصبانی نیستم» توقیف نمی‌شد، شاید توهم کارگردان خوب بودن در فیلمساز به وجود نمی‌آمد.

روز گذشته همچنین گروهی از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب به تماشای این فیلم سینمایی نشستند.

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

نما | حسین کشتکار



هم‌زمان با پنجمین روز جشنواره فیلم فجر

«بادیگارد» به میلاد رسید

هادی عسگری

فیلم سینمایی بادیگارد، جدیدترین ساخته سینمایی ایران بهرام حاتمی‌کیا شب گذشته در برج میلاد اکران شد تا یکی از خاص‌ترین فیلم‌های این دوره از جشنواره در معرض دید منتقدان سینما و اهالی رسانه قرار گیرد. فیلم سینمایی بادیگارد که در اکران‌های مردمی توانسته است به عنوان یکی از شانس‌های کسب سیمرغ مردمی مطرح شود، بازگشت دوباره حاتمی‌کیا به سینمایی است که پیش از این آثاری چون «ژانس شیشه‌ای» و «به رنگ ارغوان» را از این فیلمساز سراغ داشتیم. این فیلم بعد از حضور موفق «چ» ساخته شده است و انتظارهای بالایی برای موفقیت «بادیگارد» در جشنواره وجود دارد.

بادیگارد همان طور که از نام فیلم مشخص است درباره محافظ یکی از شخصیت‌ها است. حاتمی‌کیا در اغلب آثارش که تا به امروز تولید کرده است، نشان داده سینمای استراتژیک را به خوبی می‌شناسد و نسبت به شرایط سیاسی جامعه بی تفاوت نیست. دغدغه‌های این فیلمساز در تولید فیلم باعث شده است. وی به عنوان یکی از تأثیرگذارترین فیلمسازان بعد از انقلاب نام برده شود.

بسیاری از علاقه‌مندان به سینما هنوز معتقدند که در حق فیلم «چ» اثر قبلی حاتمی‌کیا در جشنواره فجر اجحاف شده و این تکرار نیز وجود دارد. در این دوره نیز نگاه‌های سلیقه‌ای باعث شود بادیگارد به جایگاه اصلی و حق خود برسد و همچنین گروهی از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب به تماشای این فیلم سینمایی نشستند.

تجسمی

تجلیل از هنرمندان عرصه تجسمی در روز انقلاب و فرهنگ

ساعت ۱۸ در سالن ایران فرهنگستان هنر برگزار خواهد شد و سپس نمایشگاه بخش اراض (خ)، در موزه هنرهای فلسطین فرهنگستان هنر افتتاح خواهد شد. این نمایشگاه

با آثاری از موزه استان قدس رضوی و موزه ملک به مناسبت هشتمین دوره برگزاری جشنواره هنرهای تجسمی فجر برپا می‌شود. هشتمین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر در این دوره با رویکرد هنر معاصر برپا شده است و از ۹۹ اسفندماه در مؤسسه فرهنگ – هنر صی میرزبان علاقه‌مندان است.

نگاهی به برنامه‌ای که به جیرانی و گیرلو وفا نکردا

آیا «هفت» جان می‌گیرد؟

بهنام صدقی



کارگردان «شکران» و «روز فرشته» رسید. افخمی در سینمای ایران. کارگردان قابل احترامی بوده و هست. اما صاحب‌های طولانی و خسته‌کننده با چهره‌هایی نه‌چندان جذاب، قرار دادن آیتم کمبیک انیمیشن هفتگی «عبود بیفو» فیلمساز جوانی که به فضای مردود و با خوشمزگی‌هایی به مدیران سینمایی طعنه می‌زند و… کاری کرده بودند تا هفت تبدیل به برنامه‌ای ملال‌آور شود که غیر از مشکلات رسانه‌ای‌اش، به خاطر موضع‌گیری‌های مجری آن، دشمنانی هم در بین اهالی سینمای پیدا کرده بود. با این حال برنامه زنده «هفت» رفت و هرچند در این برنامه و به خاطر تغییر کنداکتور و کاهش زمان، مهم‌ترین قسمت برنامه یعنی نقد فیلم بسیار کوتاه شد. اما در کل برای اولین برنامه زنده بد نبود و می‌شود از شب دوم منتظر اجرای پخته‌تر و البته چیدمان درست‌تری در آیت‌های مختلف بود. باید به انتظار نشست و دید که صندلی «هفت» به افخمی که اکنون سکندار این برنامه است نیز همچون گیرلو بی‌وفایی خواهد کرد یا اینکه نه، «هفت» با وجود افخمی جان تازه‌ای می‌گیرد.